

ارزیابی سازوکارهای ملل متحد در حمایت از حقوق بشر: ارکان مبتنی بر منشور و معاهدات

نسرین مصفا

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

صندوق پستی ۶۴۴۸-۱۴۱۵۵

چکیده

از زمان تصویب منشور در ۱۹۴۵ و پس از آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ ملل متحد به طور مستمر به تدوین مجموعه ای از اسناد حقوق بشر بین‌المللی پرداخته است. امروزه می‌توان اذعان داشت که قبول جهانی نسبت به موازین اصلی حقوق بشر بالاتریده است و مباحث حول هنجارها در ۱۹۴۵، اکنون تبدیل به موضوع تعهدات حقوقی دولتها در جامعه بین‌المللی شده است. در حالی که یقین وجود دارد که اولین و مهمترین روش اجرای اسناد بین‌المللی حقوق بشر حمایت ملی از آنها است، ولی در سراسر جهان به طور فزاینده به لزوم تقویت سازوکارهای ملل متحد برای حمایت بهتر و مؤثرتر از موازین ارائه شده در اسناد توجه می‌شود.

سازوکارهای ملل متحد بر دو دسته هستند: ارکان مبتنی بر منشور و ارکان مبتنی بر معاهدات که سکارایی آنها به عوامل مختلف بستگی دارد. بعضی به ساختار و ضایف و به طور کلی ظرفیت ملل متحد در پاسخگویی به انتظارات جامعه بین‌المللی از آن مربوط می‌شود و بعضی دیگر به مباحث جهان شماری حقوق بشر و تلفیق میان موازین بین‌المللی حقوق بشر و ارزشها و هنجارهای موجود در فرهنگها مختلف برمی گردد.

همچنین همواره سؤالی اساسی در باب چگونگی هماهنگی میان سازوکارهای ملل متحد در زمینه حقوق بشر وجود دارد. هدف اصلی این مقاله، بررسی رکن اصلی حاکمیت حقوق بشر بر اساس منشور، یعنی کمیسیون حقوق بشر و ارکان مبتنی بر معاهدات حقوق بشر و همچنین میزان پاسخگویی آنها است. در این راه، ضمن تبیین تفاوتها به چالشهای راجع به آنها نیز اشاره می‌شود.

کلید واژه ها: سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر، کمیته حقوق بشر.



۱- مقدمه

از زمان تصویب منشور در ۱۹۴۵ و پس از آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸، ملل متحد به طور مستمر به تدوین مجموعه ای از ابزارها (اسناد) حقوق بشر بین‌المللی پرداخته است. گذشته از دو سند مهم، (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی^۱ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی)^۲ که در ۱۹۶۶ تصویب شدند، اسناد و شاخص دیگری مانند کنوانسیون رفع تبعیض نژادی^۳، ۱۹۶۶، کنوانسیون رفع تبعیض همه جانبه نسبت به زنان^۴، ۱۹۷۹، و کنوانسیون علیه شکنجه و تمام اشکال رفتار ظالمانه و تخفیف حیثیت انسانی^۵، ۱۹۸۴، و کنوانسیون حقوق کودک^۶، ۱۹۸۹ مهمترین معاهدات حقوق بشری هستند.

در کنار آنها مجموعه‌ای از اسناد دیگر به اشکال مختلف (قطعاتنامه و اعلامیه و غیره) حاوی اصول و موازین بین‌المللی حقوق بشر در زمینه‌های مختلف وجود دارند. در حالی که حامیان نسل‌های حقوق بشر، به ویژه نسل دوم و سوم، سؤالاتی را در باب عدم توانایی کافی رژیم بین‌المللی حقوق بشر برای پاسخگویی به نیازها و چگونگی اجرای ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر مطرح می‌کنند، می‌توان ادعان داشت که قبول جهانی نسبت به موازین اصلی حقوق بشر بالاترید است و مباحث حول هنجارها در ۱۹۴۵، اکنون تبدیل به موضوع تعهدات حقوقی دولتها در جامعه بین‌المللی شده است.^۸

در این اوضاع و احوال، منافع و حامیان حقوق بشر در سراسر جهان به طور فزاینده به لزوم تقویت سازوکارهای ملل متحد برای حمایت بهتر و مؤثرتر از موازین ارائه شده در این اسناد توجه می‌کنند. اگر چه یقین وجود دارد که اولین و مهمترین روش اجرای ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر، حمایت ملی از آنها است که چگونگی به کارگیری و اجرای موازین بین‌المللی را تعیین می‌کند و توانایی دولت برای انجام وظایف خود مبتنی بر اراده حکومتی و



۱. ابزارها ترجمه ای از instruments است و معمولاً اسناد حقوق بشر در اشکال مختلف را با عنوان فوق در مدارک ملل متحد نام می‌نهند. البته به نظر می‌رسد تحت عنوان موازین نیز می‌توان آن را آورد.

2. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

3. International Covenant on Economic and Cultural Rights, 1966.

4. Convention on the Elimination of All forms of Racial Discrimination, 1965.

5. Convention on the Elimination of All forms of Discrimination against Women, 1979.

6. Convention against Torture and Other Cruel, inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1984.

7. Convention on the Right of Child, 1989.

۸. در ادبیات حقوق بشر معمولاً به سه نسل از حقوق بشر اشاره می‌شود. نسل اول: حقوق آزادی (liberty)، نسل دوم: حقوق برابر (equality)، نسل سوم: حقوق همبستگی (solidarity). نسل اول مجموعه حقوق مدنی و سیاسی، نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نسل سوم، حقوقی مانند حق بر محیط زیست سالم، حق صلح، حق مشارکت در سازمانهای غیر دولتی و ...

قوت نهادهای داخلی اصل است، لکن برای اجرای حقوق بشر بین المللی همواره راجع به نقش نظام ملل متحد به عنوان رکن پیشگام بین المللی سؤالات اساسی وجود دارد و به ویژه کارایی آنها برای حمایت - که عمدتاً از طریق ارکان مبتنی بر منشور و ارکان مبتنی بر معاهدات صورت می گیرد - مورد بحث است. طبیعی است این کارایی به عوامل مختلف بستگی دارد که بخشی به ساختار، وظایف و به طور کلی ظرفیت ملل متحد در پاسخگویی به انتظارات جامعه بین المللی از آن مربوط می شود و سهمی دیگر به مباحث جهان شمولی حقوق بشر و تلفیق میان موازین بین المللی حقوق بشر و ارزشها و منجاریهای موجود در فرهنگهای مختلف برمی گردد.

همچنین همواره سؤالی اساسی درباره چگونگی هماهنگی میان سازوکارهای ملل متحد در زمینه حقوق بشر وجود دارد. هدف اصلی این مقاله، بررسی رکن اصلی حمایت حقوق بشر مبتنی بر منشور، یعنی کمیسیون حقوق بشر و ارکان مبتنی بر معاهدات و میزان پاسخگویی آنها است. در این راه، ضمن تبیین تفاوتها به چالشهای مربوط به آنها نیز اشاره می شود.

۲- ارکان مبتنی بر منشور، کمیسیون حقوق بشر^۱

یکی از خصوصیات بارز منشور ملل متحد که آن را از میثاق جامعه ملل ممتاز می سازد، توجه به حقوق بشر و آزادیهای اساسی است. سازمان ملل متحد، سهمی عمده در بهبود و حمایت از حقوق بشر داشته و دستاوردهایش در این زمینه بالاترین است. در حالی که ریشه های حقوق بشر جهانی به بعد از پایان جنگ جهانی اول برمی گردد، لکن مصائب ناشی از جنگ جهانی دوم بود که موجب افزایش توجه بین المللی به حقوق بشر شد. در منشور ملل متحد هفت مورد اشاره به حقوق بشر وجود دارد.^۲ نخست در مقدمه منشور آمده است: «ما مردم ملل متحد با تأیید ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخص انسانی و به برابری حقوق مردان و زنان و ملل کوچک و بزرگ تصمیم گرفته ایم که برای حصول این هدفها با هم همکاری کنیم». همچنین بند ۲ ماده ۱ منشور می گوید: «حصول همکاریهای بین المللی جهت حل مشکلات بین المللی به منظور توسعه و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی ...»

1. charter based bodies, Commission on Human Rights

۲ برای آگاهی بیشتر از جایگاه حقوق بشر در منشور ملل متحد رجوع کنید به: مصفا، ز. «تحول حقوق بشر در رویه سازمان ملل متحد».

یادنامه شادروان دکتر مرشدک مقتدر، تهران: مؤسسه مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۱.



ماده ۶۸ منشور نیز شورای اقتصادی اجتماعی را مکلف می سازد که کمیسیونهایی را در زمینه اقتصادی و اجتماعی به منظور پیشرفت حقوق بشر تشکیل دهد.

در همین راستا، کمیسیون حقوق بشر در شانزدهم فوریه ۱۹۴۶ طی قطعنامه (I)۵[۱] تأسیس شد و در پی آن، کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها با تصویب قطعنامه (II)۹[۲] شروع به کار کرد که البته از سال ۱۹۹۹ کمیسیون فرعی فوق به کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر تغییر نام داد.^۱ کمیسیون حقوق بشر، مهمترین نهاد مبتنی بر منشور است.^۲ که به گفته مری رابینسون، کمیسر سابق ملل متحد، بنای اصلی کار ملل متحد در زمینه حقوق بشر است و مهمترین رکن بین الدولی تصمیم گیری در این زمینه است. امروزه اجلاس شش هفته‌ای سالانه این کمیسیون در ژنو، یک گردهمایی منحصر به فرد جهانی جهت طرح مباحث و روشن ساختن اتهامات مربوط به نقض اشکال مختلف حقوق بشر است.^۳ در حالی که در تحلیل عملکرد کمیسیون باید بستر سیاسی بین‌المللی را در نظر داشت، از ابتدای تشکیل کمیسیون، مباحثی پیرامون حیطه وظایف آن وجود داشت. با عنایت به توجه سازمانهای غیر دولتی به حقوق بشر در کنفرانس سانفرانسیسکو، کمیسیون مقدماتی که در اواخر سال ۱۹۴۵ برای تدوین ترتیبات موقتی ارکان ملل متحد در لندن تأسیس شد، وظایف زیر را برای کمیسیون حقوق بشر در نظر گرفت [۳، ص ۳۵۷]:

۱. تنظیم لایحه بین‌المللی حقوق بشر [۴]،
۲. تنظیم توصیه‌هایی برای اعلامیه‌ها و کنوانسیونهایی در باب موضوعاتی مانند آزادیهای مدنی، وضعیت زنان و آزادی اطلاعات،
۳. حمایت از اقلیتها،
۴. جلوگیری از تبعیض در زمینه‌های نژاد، جنس، زبان و یا مذهب،
۵. توجه به هر موضوع قابل ملاحظه در زمینه حقوق بشر، مانند رفاه عمومی، و روابط دوستانه میان ملتها.

1 Sub Commission on protection of minorities and racial discrimination, to subcommission on promotion and Protection of Human Rights.

^۱ در این مقاله مهمترین نهاد مبتنی بر منشور یعنی کمیسیون حقوق بشر مورد مطالعه قرار می گیرد. در حالی که کمیسیون مقام زن (Commission on status of women) نیز که در موضوعات حقوق زن از سال ۱۹۴۶ تشکیل شد نیز یک رکن مبتنی بر منشور است معمولاً اجلاس کمیسیون از نیمه دوم ماه مارس هر سال آغاز می‌شود و جلسات شش هفته تا آوریل ادامه دارد.

^۲ لایحه بین‌المللی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و پرورتنکلی و اسفند به میثاق اول است.

4 International Bill of Human Rights



برای سالهای طولانی، کمیسیون برای اجتناب از سیاسی شدن مبارزه کرد و در اعلامیه‌ای به سال ۱۹۴۷ به صراحت بیان کرد که قدرتی برای توجه به شکایات مربوط به حقوق بشر ندارد [۴، ص ۳۵۹].

البته در سالهای بعد تدریجاً روشهای نظارت بین‌المللی توسط کمیسیون در پاسخ به علایق جهانی گسترش یافت.

گذشته از وظایف کمیسیون، از همان آغاز، رابطه میان آن و ارکان اصلی ملل متحد نیز مورد مذاقه بود. سهمی از عقاید بر آن بود که کمیسیون تنها به شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی کمک نکند، بلکه به شورای امنیت نیز درباره وظیفه‌ای که بر حسب ماده ۳۹ به آن داده شده، کمک کند و نقض مستمر حقوق بشر در یک کشور به مثابه تهدید صلح تلقی شود. تعیین غرامت در مورد نقض حقوق بشر نیز از موضوعات مورد بحث بود [۳، ص ۳۵۸]. در دهه ۹۰ شورای امنیت در چند قطعنامه، نقض حقوق بشر را تهدید صلح و نقض صلح دانست.

به طور کلی سه مرحله کلی را در فعالیت کمیسیون حقوق بشر از زمان تشکیل آن می‌توان مورد توجه قرار داد:

الف) مرحله تکامل (۶۶-۱۹۴۶): تدوین قواعد

در مراحل اولیه تشکیل کمیسیون، تفکر اصلی مبنی بر تدوین قواعد بود. در این دوران، شاهد تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی مهم هستیم و در حقیقت مهمترین وظیفه کمیسیون، معیارسازی در زمینه حقوق بشر بود.

همچنین ملل متحد، کار سلف خویش جامعه ملل را با استفاده گسترده از روشهای گزارش‌دهی و عرضحال جهت اطمینان از تأمین حقوق مردم در ممالک تحت الحمایه و غیر خود مختار دنبال کرد. تعمیم مسأله گزارش‌دهی از شرایط مستعمراتی به اوضاع کشورهای مستقل چندین سال به طول انجامید. در مورد این امر در آغاز، گزارش‌دهی در سطحی جهانی، ولی کاملاً داوطلبانه و در ارتباط با مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شد. در ۱۹۵۶ طی قطعنامه اول اجلاس دوازدهم، پاراگراف اول، از دولتها خواسته شد که گزارشهایی درباره توسعه و پیشرفتهای حاصل در زمینه حقوق بشر و آزادیها به تشریح داده شود [۴].



این امر از لحاظ تثبیت اصل پاسخگویی مهم بود، اما به دلایلی نتوانست عملاً رضایتبخش باشد. در این مقاله به علت اهمیت نظام گزارش دهی به آن خواهیم پرداخت.

ب) گسترش مسئولیت (۷۸ - ۱۹۶۷)

با افزایش تعداد اعضای ملل متحد، ناشی از استقلال کشورهای مستعمره، تعداد اعضای کمیسیون افزایش یافت. تغییراتی نیز در محیط بین‌المللی صورت گرفت. کشورهای اروپای شرقی علایقی را نسبت به ترویج و حمایت از حقوق بشر از خود نشان دادند که مهمترین آنها پیگیری کشور لهستان برای تدوین کنوانسیون حقوق کودک است. همچنین دو آمریکایی سیاهپوست به عضویت نهادهای شورای اقتصادی اجتماعی در آمدند و اولین جوانه های پیش بینی طرح شکایات فردی و یا جمعی که پس از تصویب کنوانسیون محو تبعیض نژادی ظاهر شده بود کم کم تکامل یافت. علاقه کشورهای جهان سوم به طرح مسائل تبعیض نژادی، توجه کمیسیون را به این موضوع جلب کرد. همچنین پروتکل اختیاری حق دادخواهی فردی، الحاقی به میثاق حقوق مدنی سیاسی به تصویب رسید. در این دوران دو قطعنامه مهم به شماره های ۱۲۳۵ [۵] و ۱۵۰۳ [۶] در شورای اقتصادی اجتماعی تصویب شد. اصولی که در قطعنامه ۱۲۳۵ مطرح شد. مؤید آن بود که نقض حقوق بشر در هر جای جهان که اتفاق بیفتد می‌تواند توسط کمیسیون مورد بررسی قرار گیرد و کمیسیون باید اقتدار لازم را برای طرح موضوع در صحن عمومی خود داشته باشد. همچنین قطعنامه ۱۵۰۳ اصول بررسی محرمانه وضعیت نقض حقوق بشر در هر کشور را ایجاد کرد.

هر دو قاعده باعث طرح موارد نقض حقوق بشر و گسترش صلاحیت کمیسیون گردیدند، در حالی که روشهای متضادی را ارائه دادند. قطعنامه اول بر بحث عمومی و آشکار و دومی بر بررسی محرمانه مبتنی است. در همین دوران، کم کم روشی نیز در کمیسیون به کار گرفته شد که بر مبنای نظارت از طریق تهیه گزارش توسط گزارشگران ویژه کمیسیون است. این تحولات در پاسخ به علاقه و درخواست روزافزون جهانی برای توجه به موضوع حقوق بشر صورت گرفت.

ایجاد گروه کاری کارشناسان آفریقایی جنوبی در سال ۱۹۶۷ توسط کمیسیون حقوق بشر که مأموریتش بعداً تمدید شد به ایجاد گروه کاری ویژه دیگری برای «تحقیق و مطالعه سیاستهای و اعمال متناقض با حقوق بشر در آفریقایی جنوبی و نامیبیا» انجامید. همچنین به

طور مثال وقایع ۱۹۷۳ در شیلی و به دنبال آن، نقض حقوق بشر در آن کشور، کمیسیون را بر آن داشت که در ۱۹۷۵ یک گروه کاری ویژه را جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در شیلی ایجاد کند. در سال ۱۹۷۹ گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در شیلی، جانشین گروه کاری شد که مأموریتش تا اعاده دموکراسی در سال ۱۹۹۰ ادامه داشت.

پس از این وضعیتها، ارگانهای ناظر مشابهی جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در افغانستان السالوادر، ایران، بولیوی، گواتمالا، نیکاراگوا، کوبا و ... به وجود آمد.^۱

قاعده قطعنامه ۱۵۰۳ در اجلاس پنجاه و ششم کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت. گروه کاری تقویت کارایی سازوکارهای کمیسیون حقوق بشر که بین اجلاس پنجاه و پنجم سال ۱۹۹۹ و پنجاه و ششم سال ۲۰۰۰ تشکیل شد، توصیه چگونگی تجدید نظر در قاعده قطعنامه ۱۵۰۳ را انجام داد. پیشنهادها برای پاسخگویی به شکایات بود و مقرر شد که هر سال نمایندگانی از گروههای کاری با توجه به توزیع جغرافیایی، بلافاصله پس از پایان اجلاس کمیسیون فرعی تشکیل جلسه دهند و مواردی را که دلایل و مدارک منطقی نقض حقوق بشر درباره آنها دریافت شده باشد به طور محرمانه بررسی نمایند.

همچنین گسترشی در توجه به رهیافت موضوعی ایجاد شد. در سالهای مختلف، گزارشگران ویژه ای در باره ناپدید شدن ابرار اجباری^۲، شکنجه^۳، نابردباری مذهبی^۴، کارگیری مزدوران^۵، خشونت علیه زنان^۶ و ... به کار گرفته شدند.

هرکدام از سه روش فوق که در مرحله دوم فعالیت کمیسیون پدیدار شده و توسعه پیدا کرده‌اند، بر حسب ریشه، ماهیت، صلاحیت و آیین کار با یکدیگر متفاوت هستند و در عمل ممکن است در کار با هم تداخلهایی داشته باشند. این نکته قابل تأمل است که موضوعات مختلف یک وضعیت خاص ممکن است در یک زمان تحت بررسی سه قاعده در یک زمان باشد و توجه به آن موقعیت در چارچوب یک قاعده به قاعده دیگر حرکت کند. قطعنامه ۱۵۰۳ بیش از دو قاعده دیگر مورد مباحثه بوده است.

۱. راهنمای گزارش دهی حقوق بشر، تحت ۶ بند بین‌المللی حقوق بشر، نیویورک ملل متحد، ۱۹۹۱ (ترجمه فارسی ص ۲۵) این راهنما در کارگاه گزارش دهی ابزارهای بین‌المللی مهم حقوق بشر که در سال ۱۳۶۹ توسط مرکز حقوق بشر ملل متحد و مؤسسه آموزش و تحقیقات ملل متحد (یونیتار) در تهران برگزار شد توزیع گردید.

2. enforced disappearance
3. torture
4. religious intolerance
5. mercenaries
6. violence against women



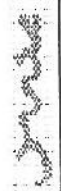
ج) فعالیت کمیسیون از ۱۹۷۹ به بعد: تکامل فعالیتها و توانایی پاسخ مؤثرتر

از اواخر دهه ۷۰ تغییر در شرایط بین‌المللی، موجب توجه بیشتر جهانی به مسائل حقوق بشر گردید. جنایات رژیمهای ضد حقوق بشری در کامبوج، اوگاندا و آفریقای مرکزی موجب درخواست بیشتر جامعه بین‌المللی برای عملکرد بیشتر کمیسیون گردید، به ویژه آنکه در سال ۱۹۷۶ روزنامه ساندی تایمز نتیجه تحقیقی را انتشار داد که به درگیری بیشتر کمیسیون در مسائل بوروکراتیک اشاره داشت. این تحقیق همچنین مؤید آن بود که روشهای موجود کند و حاصل کار آنها حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر نمی باشد [۷]. تحولات دهه هشتاد، از جمله حکومت نظامیان در لهستان، وقایع منتهی به فروپاشی دیوار برلین و بلوک شرق، و روند روبه رشد توجه جهانی به حقوق بشر به توسعه عملکرد کمیسیون انجامید. همچنین نقش تدوین استانداردهای کمیسیون وارد مرحله جدیدی شد. در ۱۹۸۴ کنوانسیون رفع شکنجه با حمایت سازمان عفو بین‌الملل تصویب گردید. در ۱۹۸۶ اعلامیه حق توسعه که حاصل تلاش جمعی کشورهای در حال توسعه بود در عین مخالفت کشورهای پیشرفته به تصویب رسید و کنوانسیون حقوق کودک در ۱۹۸۹ در کمیسیون تدوین و با حمایت گسترده جهانی روبه روشد.

کنفرانس حقوق بشر وین (۱۹۹۳) نقطه عطفی در شرایط جدید بین‌المللی بود. در مقدمه اعلامیه نهایی آمده است: «... تقویت و حمایت از حقوق بشر برای جامعه بین‌المللی از اولویت برخوردار است و کنفرانس با بهره گیری از فرصت یگانه، تحلیلی جامع از نظام بین‌المللی حقوق بشر و تشکیلات حمایت از حقوق بشر به عمل می آورد تا رعایت کاملتر حقوق بشر را در وضعیتی عادلانه و متعادل، ارتقا و ترویج دهد».

همچنین بر حسب بند ۶۲ اعلامیه نهایی کنفرانس جهانی حقوق بشر توصیه می کند که کمیسیون حقوق بشر امکان اجرای بهتر اسناد موجود حقوق بشر را در سطح بین‌المللی و منطقه ای بررسی کند.

در سالهای اخیر، کمیسیون مزبور به طور فزاینده توجه خود را به ترویج حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق توسعه، معطوف کرده است. کمیسیون مزبور اقدام به تأسیس چند رکن فرعی جهت کمک به فعالیتهای خود در این زمینه کرده که از آن میان می‌توان به گروههای کاری مربوط به بررسی آثار دیون خارجی و همچنین موضوعات دیگر



مانند حقوق مردمان بومی^۱ اشاره نمود. به طور کلی در حال حاضر، موضوعات زیر توسط کمیسیون از طریق گروههای کار و یا گزارشگران موضوعی صورت می گیرد:

- تبعیض نژادی، اجرای سند کنفرانس دربان ۲۰۰۱ در زمینه تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تمام اشکال نابردباری،

- حق توسعه،

- نقض حقوق بشر در هر منطقه جهان،

- حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،

- حقوق مدنی و سیاسی، شامل موضوع شکنجه و دستگیری،

- ناپدید شدن اجباری،

- ترویج و حمایت از آزادی عقیده و بیان،

- استقلال قضات و وکلای،

- مجازات و نابردباری مذهبی،

- حقوق زنان، خشونت علیه زنان و علل و عواقب آن،

- حقوق کودکان، فروش کودکان، فحشای کودکان و پورنوگرافی،

- کارگران مهاجر،

- اقلیتها و افراد آواره،

- مسائل مردمان بومی،

- ترویج و حمایت از حقوق بشر شامل کار کمیسیون فرعی،

- ارکان مبتنی بر قرارداد و نهادهای ملی،

- تروریسم و حقوق بشر،

- حقوق افراد دارای معلولیت،

- بازداشت‌های خودسرانه،

- حقوق هر شخص برای بهره‌وری از بالاترین معیار قابل دسترسی فیزیکی و روحی،

- حق تعلیم و تربیت،

- حق دسترسی به غذا،

- مدافعان حقوق بشر،



- حق داشتن مسکن مقتضی ،

- حق آزادی مذهب و عقیده ،

- استفاده از مزدوران به عنوان بهره‌وری مردم از حق تعیین سرنوشت،

- حقوق بشر و فقر مفرط،

- تعدیل ساختاری و وام خارجی،

یکی از فعالیتهای حال حاضر کمیسیون، همکاریهای فنی و خدمات مشورتی است که در این ارتباط با همکاری کمیساریای عالی حقوق بشر به کشورها کمک می‌کند.

گزارشگران مربوط به کشورها معمولاً بر وضعیت پیچیده حقوق بشر در مناطقی که نقض گسترده حقوق بشر رخ داده، بخصوص متعاقب خشونتها یا مناقشاتی وسیع مثل کامبوج، رواندا و یوگسلاوی سابق نظارت می‌کنند. آنها توصیه‌هایی درباره نحوه تقویت حقوق بشر در سطح ملی ارائه می‌دهند. کمیسیون حقوق بشر در ماه مه ۱۹۹۴ که هنوز جریان کشتار جمعی (ژنوساید) در کشور رواندا ادامه داشت، یک گزارشگر ویژه جهت وضعیت حقوق بشر در آنجا تعیین کرد تا به بررسی جنبه‌های حقوق بشری وضعیت موجود، از جمله ریشه‌ها و مسئولیتهای اعمال وحشیانه بپردازد. در سال ۱۹۹۷ کمیسیون تحت عنوان پیگیری مأموریت سه ساله خود، نماینده ویژه‌ای برای تسهیل ایجاد و پیگیری فعالیت مؤثر یک کمیسیون ملی مستقل جهت حقوق بشر در رواندا تعیین نمود.

مجمع عمومی همچنین از دبیرکل سازمان ملل متحد خواست که درباره تجاوز و سوء رفتار با زنان و کودکان در خلال مناقشات مسلحانه در یوگسلاوی سابق بخصوص جمهوری بوسنی و هرزگوین تحقیق نماید.

از سال ۱۹۹۵ یکی از کارشناسان این گروه به بررسی مسأله افراد مفقودالاثر در یوگسلاوی سابق پرداخت. کارشناس مزبور در گزارش نهایی خود در سال ۱۹۹۷ اعلام کرد که در بوسنی و هرزگوین حدود ۲۰ هزار نفر هنوز مفقودالاثر هستند که بیشتر آنان مردان مسلمان بوسنیایی اند و قربانی عملیاتی پاک سازی قومی که توسط نیروهای صرب در فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ اجرا شد هستند.

در سال ۱۹۹۷ گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان از رواندا بازدید نمود تا به مطالعه مسأله خشونت علیه زنان در زمان جنگ و وضعیتهای متعاقب مناقشات بپردازد. وی با افراد متعددی از زنان بازمانده ملاقات کرد. گزارشگر ویژه همچنین از دادگاه کیفری بین‌المللی



برای رواندا، در تانزانیا دیدن کرد و شاهد محاکمه ژان - پل اکالیسیو بود. این محاکمه، اولین موردی بود که شامل اتهامات مربوط به خشونت در کیفرخواست می‌گشت [۸، صص ۱۵-۱۴]. در سالهای اخیر، کمیسیون به وضعیت حقوق بشر در کوزوو، افغانستان و چین توجه خاصی نمود. موضوع حقوق بشر و تروریسم در دستور کار کمیسیون قرار دارد. در یک اقدام مثبت در آوریل سال ۲۰۰۲ کمیسیون از خانم مری رابینسون کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد درخواست کرد که با توجه به جنایات انجام شده در فلسطین به آن منطقه سفر کند. وی گزارش خود را به کمیسیون تقدیم کرد که مورد سرزنش آمریکا نیز قرار گرفت [۹].

۳- ارکان مبتنی بر معاهدات^۱

با بررسی سازوکارهای نظارت بر اجرای موازین حقوق بشر به وضوح می‌توان به تنوع گسترده آنها پی برد. امروزه یکی از عمده ترین آنها، نظارت توسط ارکان مبتنی بر معاهدات است که از دیدگاه نظارت بین‌المللی بر اجرای حقوق بشر پر اهمیت است. این ارکان در ۶ معاهده مهم حقوق بشری پیش بینی شده اند و شکل و فعالیت آنها بر مبنای روشن حقوقی موجود در خود معاهدات است. کار این ارکان از اهمیت زیادی برخوردار است و علی رغم وجود چالشهایی در برابر این رژیم، از ظرفیت بالایی برخوردار است. معاهدات عمده حقوق بشر، علاوه بر تدوین هنجارها و موازین، سازوکارهایی را نیز برای اجرای بهتر آنان پدید آوردند که عمدتاً مبتنی بر نظام رسمی گزارش دهی است، در حالی که با پروتکل‌های الحاقی، حق دادخواهی فردی را نیز به رسمیت می‌شناسند. طرح نظام رسمی گزارش دهی اولین بار در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی در ۱۹۶۶ مطرح شد که بر اساس الزامات مندرج در یک عهدنامه بین‌المللی صورت گرفت. این کنوانسیون، دول عضو را ملزم ساخت که گزارش ادواری خود را به یک کمیته بین‌المللی مأمور انجام نظارت بر تطابق گزارشها با الزامات عهدنامه معرفی کنند. دو میثاق بین‌المللی نیز رهیافتی مشابه را دنبال کردند و سپس معاهدات دیگر از این روش تأسی کردند. حاصل کار، ظهور نظامی جامع از گزارش دهی است که به درجات مختلف - بسته به تعداد کشورهای ملحق شده به معاهدات در مورد اکثریت کشورهای جهان امروزه قابلیت اجرایی دارد.



رویکردی که در سطح جهانی در ۱۹۶۶ برای اجرای معاهدات مطرح شد به قرار زیر است:

۱. ایجاد ارکان تخصصی مبنی بر معاهدات که هرکدام مرتبط با معاهده‌ای خاص برای بررسی گزارشها تشکیل می شوند.
۲. پذیرش داوطلبانه و منظم الزامات گزارش دهی توسط دول عضو، بر پایه این فرضیه که بررسی گزارشها به گفتگوی سازنده بین دولت عضو و رکن خاص می انجامد و موجب ترویج موازین حقوق بشر می گردد. نظام بدون مناقشه و با هدف یاری رساندن به دولتها و نه انتقاد از عملکرد آنها است.
۳. فقدان قدرت تصمیم گیری قضایی یا شبه قضایی، در تبیین بیشتر باید گفت که تمهیدات مطرح شده در معاهدات بر مبنای تصمیم گیری قضایی نیست. کنوانسیون رفع همه گونه اشکال تبعیض نژادی در بند ۲ ماده ۹ بیان می کند که کمیته بر مبنای بررسی گزارشهای واصل از دولتها، توصیه ها و پیشنهادهایی را مطرح خواهد کرد [۱۰، ص ۲].
- همچنین با توجه به بند ۴ ماده ۴۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی [۱۱]، بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون رفع تبعیض همه جانبه نسبت به زنان^۱ [۱۲]، و بند ۴ ماده ۲۰ کنوانسیون علیه شکنجه [۱۳]، کمیته ها اختیاراتی را برای توصیه و پیشنهاد به دول عضو پس از بررسی گزارشها دارند. بند ۵ ماده ۴۵ کنوانسیون حقوق کودک [۱۴]، و پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی [۱۵] در بند ۳ ماده ۵ حاوی اختیار کمیته در ارائه نگرشهای خود است.
- ذکر این نکته ضروری است که نظام معاهدات ملل متحد بر خلاف ترتیبات منطقه ای حقوق بشر است که دارای ارکان قضایی هستند^۲.
- ارکان مبتنی بر معاهدات از زمان لازم الاجرا شدن کنوانسیون رفع تبعیض نژادی (ژانویه ۱۹۷۰) توسعه بسیاری پیدا کرده و روشهای محکمی را برای بررسی گزارشها تدوین کرده و به صورت نهادهای به ارائه توصیه‌های عمومی می پردازد. در میان ۶ کمیته مبتنی بر معاهدات، کمیته رفع تبعیض نژادی دارای چهار وظیفه منحصر به فرد زیر است [۱۰، ص ۷۳]:

۱. برای اطلاع و تفسیر کامل از مسئولیت دولتها در مقابل کنوانسیون رفع تبعیض همه جانبه نسبت به زنان مراجعه کنید به: Rebecca

J Cook/State Accountability under the Convention on the Elimination of all forms of Discrimination against women, in Human Rights of women, edited by Rebecca Cook, Philadelphia U.P. of Pennsylvania, 1994, PP 228 - 257

۲. سه نظام منطقه ای مهم، نظام اروپایی بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، نظام آمریکایی بر مبنای کنوانسیون کشورهای آمریکایی برای حقوق بشر ۱۹۶۸، منشور حقوق بشر و مردم آفریقا ۱۹۸۱ دارای رکن قضایی (دادگاه) هستند که به ترتیب در استراسبورگ فرانسه، سن خوزه کاستاریکا و بن جول کامبیا مستقرند.



الف) بررسی گزارشها ،

ب) شناخت علل دیرکرد گزارشها ،

ج) به کارگیری قواعد پیشگیرانه از موارد نقض ،

د) توجه به ارتباطات فردی،

از نظر اهمیت، کمیته کنوانسیون رفع تبعیض همه جانبه نسبت به زنان، در عرصه بین‌المللی کمتر از همه به آن تا نیمه دهه ۶۰ توجه شد. از نیمه دهه فرصتهای بیشتری به کمیته برای بروز و اثبات خود داده شد [۱۰، ص ۷۹].

وظیفه اصلی این کمیته، بررسی گزارشهایی است که توسط دولتها داده می‌شود. اولین گزارش پس از یکسال و پس از آن هر چهار سال یکبار، کمیته حسب بررسی گزارشها و اطلاعات دریافت شده از دولتها، پیشنهادهای و توصیه‌هایی را ارائه می‌کند.

همچنین در کنوانسیون حقوق کودک، فرایند گزارش دهی، مبتنی بر تشویق دولتها، کارگزاران رسمی سازمانهای غیر دولتی و آژانسهای بین‌المللی برای همکاری و بسیج اجتماعی است.

بر حسب کنوانسیون، هدف اصلی سازوکارهای بین‌المللی، تقویت ظرفیت ملی برای نظارت بر حقوق کودکان است.

کنوانسیون رفع شکنجه نیز بر حسب ماده ۲۰ به کمیته خود اجازه می‌دهد که بر اساس دریافت شاخص مناسبی که اعمال شکنجه را به صورت منظم تأیید کند، نسبت به تحقیق درباره آن اقدامات لازم را صورت دهد.

علی رغم موفقیتی که نظام مبتنی بر معاهدات داشته، این نظام در حال حاضر به شکلی با بحران روبه‌روست. جیمز کرافورد در کتاب «آینده نظارت معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد» به سلسله ای از این مشکلات رودرری کمیته‌ها اشاره می‌کند [۱۰، صص ۱۲-۱].

۱. دیرکرد ارائه گزارشها

بسیاری از کشورها به دلایل مختلف، گزارشهای خود را به موقع تهیه و ارسال نمی‌کنند. کمیته‌ها همواره با باری از گزارشهای دیر شده روبه‌رو هستند.



۲. دیرکرد در بررسی گزارشها

به علت محدودیتهای کمیته ها در زمینه های مختلف، معمولاً گزارشها با تأخیر مورد بررسی قرار می گیرند. بررسی گزارشها توسط کمیته ها از لحاظ نظارت بین المللی بر اجرای حقوق بشر اهمیت دارد و طبیعی است دیرکرد در بررسی آنها به این وظیفه خدشه وارد می سازد. این گزارشها در جلسات عمومی کمیته ها و به صورت گفتگو میان نمایندگان دولت و اعضای کمیته صورت می گیرد.

۳. محدودیت منابع

کمیته ها از لحاظ مالی و ستادی در مضیقه هستند. بودجه اختصاص داده شده به هیچ وجه تکافوی برگزاری جلسات را نمی کند. ابتکاراتی توسط برخی از ارکان، مانند کمیته حقوق بشر انجام شده است. برای مثال، کمیته، گروه کاری را در ۱۹۹۵ با وظیفه پیدا کردن راههایی برای توسعه منابع تشکیل داد. گروه کار، منبع مالی مستقلی را برای یک جلسه یک هفته ای برای به دست آوردن منابع مالی بیشتر تهیه کرد و طی جلسه پیشنهادهایی مطرح شد [۱۰، ص ۴۹۴].

این ارکان همچنین از نظر ارتباط اعضا با یکدیگر باید تحرک بیشتری داشتند. رؤسای کمیته ها معمولاً جلسات سالیانه ای با یکدیگر دارند، در حالی که اعضا وقت کمی را با هم می گذرانند و فرصت کمی برای بحث درباره نوع اصلاحاتی که می تواند آنها را فعالتر کند دارند. همچنین ترجمه اسناد زمان زیادی را به خود اختصاص می دهد و گاه برخی از گزارشها که حجم بالایی دارند، مدت زمانی برای ترجمه در نوبت هستند.

فقدان منابع لازم در زمینه های مختلف، یک مشکل مستمر برای ارکان فوق است. علی رغم پیش بینی تمهیداتی در معاهدات، هنوز اقدامات مقتضی برای رفع آن به عمل نیامده است. در میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۳۶، در کنوانسیون رفع تبعیض همه جانبه نسبت به زنان در بند ۹ ماده ۱۷، در کنوانسیون رفع شکنجه در بند ۳ ماده ۱۸ و در بند یازده ماده ۴۳ کنوانسیون حقوق کودک آمده است که دبیرکل ملل متحد نیروی لازم و تسهیلات را برای عملکرد مؤثر وظایف کمیته (معاهده) فراهم خواهد کرد.

همچنین ترتیبات متفاوتی در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کنوانسیون رفع تبعیض نژادی آمده است [۱۰، ص ۴۶۱].



مشکلات مالی و کمبود کادر اداری موارد شناخته شده عدم ناکارایی ارکان مبتنی بر معاهدات است.

۴. مشکلات قواعد کار

این ارکان گاه از نظام اداری با کارایی پایین برخوردارند و از روشهای غیر مؤثری برای پیگیری استفاده می کنند.

۵. ظرفیتهای حقیقت یابی نظام

عمده اطلاعات کمیته ها از طریق گزارشها و سازمانهای غیر دولتی به دست می آید. برخی از سازمانهای غیر دولتی در کشور خاص مستقر نیستند و گاه دیدگاههای غیر واقعی درباره مسائل دارند. کمیته ها با توجه به محدودیتها دارای ظرفیت بالایی از حقیقت یابی نیستند.

۶. ضعف نظام دریافت شکایات

عمده این ارکان دارای نظام دریافت شکایات هستند. پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی، پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع تبعیض همه جانبه نسبت به زنان و همچنین کنوانسیون شکنجه و کنوانسیون رفع تبعیض نژادی دارای نظام دریافت شکایاتند، در حالی که هنوز این سازوکارها دارای ضعف می باشند.

۷. فقدان معیارهای مناسب برای پیگیری

کمیته ها پس از بررسی گزارش و ارائه توصیه ها، فاقد معیارهای لازم و مقتضی برای پیگیری اجرای توصیه های خود هستند. با تأکید بر این ویژگیها، دو دسته از ارکان را می توان با توجه به موارد زیر از یکدیگر متمایز ساخت^۱:

۱. این موارد با استفاده از مقاله فیلیپ الستون با عنوان 'The United Nations and Human Rights Regime, A Critical Appraisal' (۱۹۹۲) که در کتاب 'International Human Rights in Context' (صص ۲۵۶ - ۲۵۴) آورده شده و همچنین سند گزارش دهم اسناد بین المللی و مقالات مختلف درباره کمیسیون حقوق بشر جمع آوری شده است.



الف) حیطه صلاحیت

از لحاظ اصولی، نظارت سازوکارها مبتنی بر منشور درباره همه اعضا سازمان ملل متحد است و دولتها، صرف نظر از آنکه عضویت معاهدات خاصی را دارند، به طور کلی تعهداتشان نسبت به موازین بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که نهادهای مبتنی بر معاهدات تنها درباره کشورهای عضو معاهده صلاحیت دارند که کشورهای عضو آنها فی نفسه همکاری صمیمانه خود را با سازوکارها پذیرفته اند.

ب) حدود بررسی موضوعات

ارکان مبتنی بر منشور، فعالیت مستمر و فزاینده‌ای در مورد موارد نقض حقوق بشر و پاسخگویی به بحرانها دارند، در حالی که ارکان مبتنی بر معاهدات فقط به موضوعات مطرح شده در معاهده خود می‌پردازند.

ج) توسعه هنجارها

در حالی که ارکان مبتنی بر منشور نیز به طور کلی سعی در توسعه هنجارهای بین‌الملل حقوق بشر دارند، لکن ارکان مبتنی بر معاهدات توجه ویژه در موضوعات خاص دارند و به طور مثال، کمیته رفع تبعیض نسبت به زنان در جهت توسعه هنجار رفع تبعیض کوشا است.

د) محدودیت قواعد کار

در ارکان مبتنی بر معاهدات، مواجهه با موضوعات و اخذ اطلاعات از طریق عنایت به سلسله محدودی از قواعد کار پیش‌بینی شده صورت می‌گیرد، در حالی که توجه و استفاده وسیع از اطلاعات سازمانهای غیر دولتی و افکار عمومی نقش مهمی در توجه نهادهای مبتنی بر منشور، کمیسیون حقوق بشر دارد و از نگرشهای موردی و موقتی برای برخورد با مسائل استفاده می‌شود.

هـ) اخذ تصمیم

در کمیسیون حقوق بشر، اخذ تصمیم، مبتنی بر رأی‌گیری و ملاک، رأی اکثریت است که معمولاً به شکل قطعنامه ارائه می‌شود، در حالی که در نهاد معاهدات، تصمیم‌گیری، مبتنی بر اجماع در بالاترین درجه ممکن است.

و) شیوه کار: رویارویی یا گفتگوی سازنده

در حالی که در کمیسیون حقوق بشر از حربه‌های تبلیغاتی در رویارویی با دولتها استفاده می‌شود و سیاست شرم‌نده سازی دنبال می‌شود، در نهادهای معاهدات ارتباط بر پایه



گفتگوی سازنده و به دور از مناقشه و بدون تبلیغات است. به طور کلی، گفتگو از عملکردی مشورتی برخوردار است. هدف گفتگو در نهایت، تطابق با موازین بین‌المللی حقوق بشر است و اصل استماع مورد احترام است.

در حالی که تفاوت‌هایی بین دو دسته ارکان وجود دارد ولی در نهایت باید اذعان داشت که هدف هر دو از طریق سازوکارهای مختلف ترویج و حمایت از حقوق بشر دنبال می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

اعلامیه نهایی کنفرانس وین در بند ۸۸ [۱۶] توصیه می‌کند که دول عضو اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی باید بررسی ارگانهای معاهدات موجود حقوق بشر و روشها و سازوکارهای موضوعی مختلف را تحت توجه قرار دهند تا از طریق هماهنگی بهتر با ارگانهای مختلف، کارایی و جنبه کاربردی سازوکارها و نظام نامه‌ها تقویت گردد و ضرورت اجتناب از دوباره کاری و تداخل دستورات و وظایف مد نظر قرار گیرد. همچنین در ادامه در بند ۸۹ [۱۷] می‌گوید که باید بررسی بهبود عملکرد و وظایف نظارتی ارگانهای معاهدات حقوق بشر ادامه یافته، پیشنهادهای عدیده‌ای در این رابطه به ویژه آن دسته که از سوی ارگانهای معاهدات و یا جلسات رؤسای این ارگانها به عمل آمده ملحوظ گردد.

هر دو دسته سازوکار از ویژگیهای مثبت و همچنین انتقاداتی از نحوه کار خود برخوردارند. در مورد کمیسیون حقوق بشر، عمده مباحث حول سیاسی بودن تصمیمات کمیسیون و تأثیر فضای سیاسی و توجه بیشتر کشورهای غربی به طرح موضوعات حقوق مدنی و سیاسی است.

البته در سالهای اخیر، کمیسیون توجه فزاینده‌ای به ترویج حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق توسعه کرده است.

یکی از انتقاداتی که به ارکان مبتنی بر معاهدات می‌شود، مربوط به عضویت نهادهای مبتنی بر قرارداد است که در حالی که اشخاص بر اساس شایستگی خود انتخاب می‌شوند، لکن از طرف دولت‌ها کاندیدا می‌گردند و به طور کلی با حکومتی شدن عضویت^۱ در نهادهای



مبیتی برقرارداد رویه رو هستیم. سازمانهای غیر دولتی طرفدار انتخاب شدن افراد از طرف سازمانهای غیر دولتی نیز می باشند.^۱ به هر حال، ارزش هر دو نظام می تواند توجه به توانایی آنها برای تشویق و اجرای ملی موازین بین المللی حقوق بشر باشد.

سازوکارهای بین المللی را هرگز نمی توان جایگزین سازوکارها و اقدامات ملی در جهت پیاده نمودن استانداردهای حقوق بشر نمود. حقوق بشر مقدّمات و در درجه نخست باید در سطوح ملی و محلی پیاده شود. مسئولیت نخستین دولتها برای تحقق حقوق بشر درباره مردمانی است که در قلمرو آن دولتها زندگی می کنند. گرچه با بین المللی شدن حقوق بشر و شناسایی این امر، حمایت و تعالی حقوق بشر در حیطه اختصاصی دولتها قرار ندارد، جامعه بین المللی می تواند نقش مشروع خود را در مورد تطابق استانداردهای پذیرفته شده بین المللی با هر یک از دول و یا عوامل صاحب قدرت ایفا نماید. بنابر این هرچند روشهای کنترل بین المللی نمی توانند جایگزین امکانات و روشهای ملی اجرای حقوق بشر شوند، لکن نقش مکمل دارند. سازوکارهای بین المللی مبین خواست عمومی جامعه بین المللی برای فراهم آوردن شرایطی هستند که اعلامیه جهانی و میثاقهای حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی اجتماعی، فرهنگی بیان داشته اند: «شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و جدایی ناپذیر اعضای خانواده بشری، بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان است».

۵- منابع

- [1] UN. Document CHR/ Res/ 5 (I)/ 16 Feb 1946 .
- [2] U.N document CHR/ Res/ 9 (II) 1947.
- [3] Henry J. S., Alston, P., *International Human Rights in Context/ law, Politics, Morals/* Oxford: Clarendon press ,1996.
- [4] U.N Documents, CHR RES/ (XII) 1956, Part 1.
- [5] UN. Document/ Ecosoc/ Res/ 1235 (XLII) 1967.

- [6] U.N. Document/ Ecosoc/ Res/ 1503 (XLVIII) (1970).
- [7] www.unhcr.ch/html/menu2/2/chr.htm.
- [۸] حقوق بشر در جهان امروز، اولییتی برای سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی ملل متحد، تهران، ترجمه توسط مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ص ۱۴ - ۱۵.
- [9] U.N.Doc. E,CN. 4, 2002, 84 (گزارش مری رابینسون از فلسطین).
- [10] Crawford, J., "The UN Human Rights Treaty System: A System in Crises? In the Future of UN Human Rights Treaty Monitoring, edited by Alston, P., Crawford, J., cambridge University Press, 2000.
- [11] G.A. Res. 2200 A (XXI), U.N. Doc. A/6316 (1966), 999 UNTS 171.
- [12] G.A. Res. 34/180, 34 UN GAOR, Supp. (No. 46), Un Doc. A/ 34/46/ at 193.
- [13] G.A. Res. 39/46, UN GAOR, Supp. (No. 51), UN. Doc. A/ 39/51, at 97 (1984).
- [14] G.A. Res. 44/25/ annex, 44 UN. GAOR Supp. (No. 49) at 197, U.N. Doc. A/ 44/49 (1989).
- [15] Res,2200 A(XXI) of 16 December 1966.
- [16] UN.A/CONF.137/23 (12 July 1999.
- [17] UN.A/CONF.137/23 (12 July 1999.